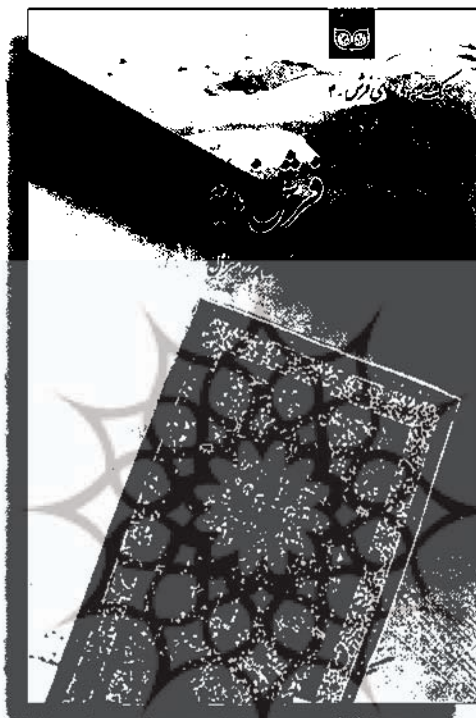


# فرش نائین

حسین یاوری

■ فرش نائین  
■ شیرین صوراسرافیل  
■ نشر فرهنگان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

می‌نمایند چه رسد به آنکه متخصصی با تجربه و پژوهشگری علاقمند و درآشنا با فرش و مسائل آن به تحقیق دست زنند.

کتاب «فرش نائین» مجموعاً در ۱۱۲ صفحه به زبان انگلیسی به همراه ۲۴ صفحه خلاصه‌ی مطالب به زبان انگلیسی، کتاب در تیراژ ۲۰۰۰ نسخه به چاپ رسیده است و مطالب آن پس از پیشگفتار در ۵ مبحث شامل کلیات، فرش نائین، فرش نائین نمادی از یک فرش خوب ایرانی، طراحان فرش نائین و فرش امروز نائین، تنظیم گردیده است و در پایان نیز ۱۳ منبع و مأخذ استفاده محقق ذکر شده است.

در پیشگفتار کتاب فرش نائین، محقق و پژوهشگر آن، شروع فرش بافی در نائین و طرح‌های فرش آن را معلول حسن تصادف و یا انتخاب هوشمندانه می‌داند و معتقد است که در مقطع خاصی، توانایی تولید پارچه‌های ظریف در نائین، همراه با نوعی نظم‌اندیشی و دقت بالایی حرفه‌ای، زمینه‌ساز شروع قالی‌بافی

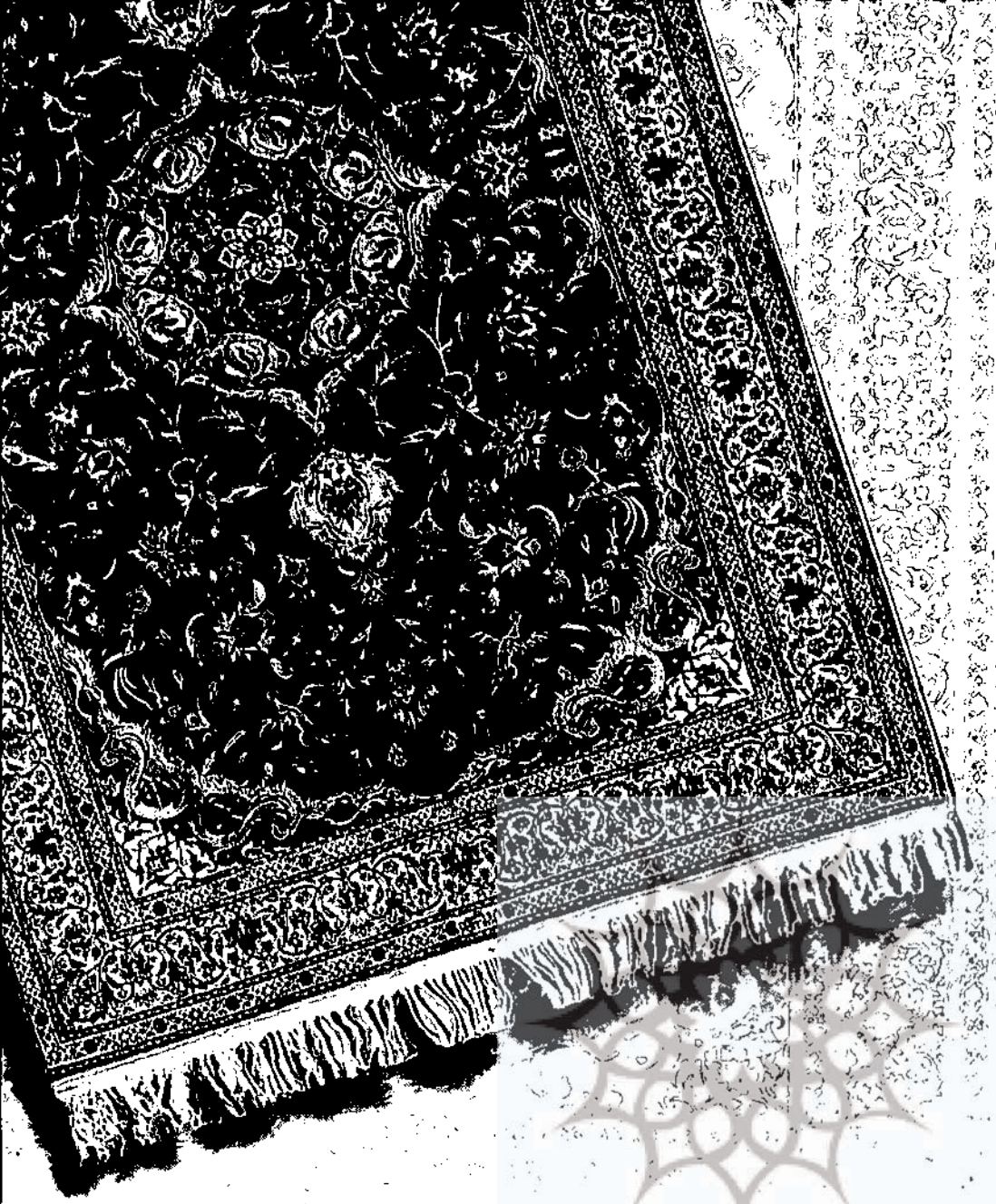
فرش نائین، یکی دیگر از آثار متعددی است که خانم مهندس شیرین صوراسرافیل، متخصص در نساجی و محقق فرش ایران به رشته تحریر درآورده است.

اگر از اولین اثر این نویسنده که «کتاب فرش ایران» نام دارد، بگذریم که به هر حال نخستین تجربه بوده و نیز دومین کار او که به نظر بهترین اثرش هم به شمار می‌آید و «طراحان بزرگ فرش ایران» نام دارد را به کناری نهیم، سایر آثار تحقیقی این پژوهشگر چون «غروب زرین فرش ساروق»، «فرش همدان» و سرانجام «فرش نائین» حال و هوای یکسانی از لحاظ شیوه تحریر و نگارش و نگاه به موضوع دارد و البته این امر فی‌الذمه نشان از ضعف کار ندارد که البته می‌تواند قوتی هم به حساب نیاید گویا اینکه فرش ایران دارای آن چنان جایگاهی است و چنان ارزش و اعتباری از جنبه‌ها و جهات اقتصادی، اجتماعی، هنری و فرهنگی دارد که نیاز به پژوهش‌های مختلف را از هر نظر امری ضروری

می‌شود.

محقق در بررسی رنگ‌های روشن فرش نائین، تعبیری نه تنها صحیح و منطقی که بسیار زیبا و دلنشین هم دارد و معتقد است که «رنگ‌های روشن فرش نائین، برگرفته از رنگ‌های کویر است - از آن نقش آفتاب و رنگ خاک، از آن غباری که در هوا و فضای کویر جریان دارد و بر چهره مردم کویر می‌توان مشاهده کرد. رنگ فرش‌های نائین، رنگ زندگی است، رنگ جوشش حیات و بالندگی که آن را از نزدیک و در زیر پوست کویر باید احساس نمود. این رنگ، رنگ صفا، آرامش، عرفان و بسی‌رنگی است. از آن نوع بی‌رنگی که مولوی با حسرت از آن یاد می‌کند».

نویسنده کتاب با توجه به محدودبودن پهنه جغرافیایی نائین، شرایط کویری و دلایل بزرگ و کوچک دیگر، فرش نائین را یک «پدیده» می‌داند که از تلاش مردم محروم و کم‌ادعا بر دل و دیده زیباپسندان جهان قرار می‌گیرد و انگیزه خود از تحقیق در زمینه فرش



ناتین و نگارش آن را در دو عامل خلاصه می‌کند: اینکه چگونه می‌شود که یک فرش محلی، با امکاناتی در حد عرف و متداول همه مراکز قالی‌بافی و با استفاده از طرح‌های محدود سنتی و رنگ‌های محدودتر، بدون توسل به هیچ نوع ترفند از نوع نوآوری‌های کاذب و... به مرزهایی این چنین از تکامل ساختاری می‌رسد و نیز چگونه است که چند فرسنگ آن سوتر و بیرون از محدوده فرهنگی ناتین، فرش‌هایی یافته می‌شود که اگر چه بر آن‌ها نقش و رنگ فرش ناتین است ولی فرش ناتین نیست؟

در نخستین بخش یا فصل یا مبحث از کتاب که به کلیات اختصاص یافته است صحبت از شهر ناتین است و تاریخ آن. بحث از ویژگیهای اجتماعی و اقتصادی شهر ناتین و سابقه بافت فرش در ناتین و گفتگو از خور و بیابانک، ویژگیهای اجتماعی-اقتصادی منطقه، تاریخ فرش منطقه جندق و بیابانک و حومه اصفهان که مجموعاً ۲۸ صفحه از کتاب را در برمی‌گیرد.

آمار و ارقامی از جمعیت و تعداد خانوار در شهرستان ناتین (که البته مربوط به سال ۱۳۷۰ می‌باشد) و تصاویری رنگی نه آنچنان گویا از آثار تاریخی و باستانی ناتین چون: «نارنج قلعه»، «آب‌انبار قدیمی محمدیه»، «مسجد جامع ناتین» و... همچنین تصاویری سیاه و سفید از سفالگری ناتین و دخمه‌های کهن عبا‌بافی در محمدیه و یکی از روستاهای اطراف ناتین و باز هم تصاویر رنگی از چند اثر قدیمی و مناظری از روستاهای اطراف ناتین به همراه تصاویری سیاه و سفیدی از عبا‌بافی در ناتین و چند تصویر از سفال‌های قدیمی ناتین در موزه‌های ویکتوریا و آلبرت و بریتانیا، مطالب مندرج را گویاتر می‌سازد.

نویسنده کتاب از صفحه ۱۴ بخش کلیات به سابقه بافت فرش در ناتین می‌پردازد و اینکه هیچ نمونه‌ای از فرش ناتین یا سندی دال بر سابقه فرش‌بافی در ناتین حتی در عصر صفوی - که اوج هنر فرش‌بافی ایران است - گواهی بر قدمت این «هنر - صنعت» نمی‌دهد و معتقد است که از حدود یک قرن پیش و پس از رکود تولیدات سنتی نظیر شال کرمان و پارچه‌های مخمل و ابریشمی کاشان و سرانجام عبا‌ی ناتین، قالی‌بافی در ناتین شکل می‌گیرد و کارگران هنرمند عبا‌باف به بافت فرش‌هایی با ظرافت بسیار زیادی می‌پردازند.

تحقیقات دقیق‌تر پژوهشگر، از تأسیس اولین کارگاه قالی‌بافی در باغ گلزار توسط برادران سجادی در سال ۱۲۹۸ شمسی خبر می‌دهد و اینکه شرکت فرش در سال ۱۳۱۴ و در پی اهمیت و رونق حرفه فرش‌بافی در ناتین، شعبه‌ای در این شهر تأسیس می‌کند، و نیز بتاب‌گفته سیسیل ادواردز که هنوز هم محققان ما در هر اثر تحقیقی درباره فرش از اطلاعات و ارقام و برداشت‌ها و مستندات او بهره می‌جویند - در حوالی ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۰ حدوداً ۱۵۰ دستگاه قالی‌بافی در شهر ناتین وجود داشته است و آخر اینکه حاج محمود و حاج فتح‌الله حبیبیان از تولیدکنندگان دوره‌های اولیه فرش ناتین بوده‌اند.

### پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

قسمتی دیگر از مطالب نخستین بخش یا همان کلیات به «خور و بیابانک» و «جندق» اختصاص دارد که البته باز هم با خصوصیات و ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی منطقه و آمار جمعیتی آن (البته در سال ۱۳۶۵ یعنی آمار ۱۱ سال پیش از چاپ کتاب) آشنا می‌شویم و تصاویری رنگی سیاه و سفید از مناظر و کرباس‌بافی و حصیربافی و... مشاهده می‌کنیم.

در خصوص تاریخ فرش منطقه جندق و بیابانک، مطالبی جمماً در کمتر از ۱۸ سطر از کتاب «بر ساحل کویر نمک» نوشته «عبدالکریم حکمت یغمائی» آورده شده است ضمن آنکه محقق خوش ذوقی را به کمال رسانده و تصویری از دو هوورا که در حال بافت قالی ناتین هستند را تحت عنوان «همزیستی مسالمت‌آمیز دو هوور در پشت‌دار» در صفحه ۴۰ کتاب به چاپ رسانده است.

در آخرین مطلب از بخش کلیات، مطالبی درباره «حومه اصفهان» جمع‌آوری و برشته تحریر در آمده

است. محقق با استناد به اینکه یکی از اهداف کتاب تبیین و ثبت ویژگی و هویت فرش به نام «فرش ناتینی» است به بافته‌های ناحیه لنجان در جنوب اصفهان که جای ویژه‌ای در «فرش ناتینی» دارد پرداخته و مطالبی را هم از دیگر مناطق موجود در شرق اصفهان، شمال اصفهان و... که مربوط به همان محدوده «فرش ناتینی» می‌شوند ذکر می‌کند. سرانجام با این نکته که اطراف تهران و روستاهای اشتهارد، شهرک صنعتی قزوین و معلم کلایه نیز چند دار قالی به بافت فرش ناتین اختصاص یافته است، مطلب را که کلاً در یک صفحه تنظیم شده به پایان می‌برد و این نتیجه‌گیری را ذکر می‌نماید که بهترین قالی از آن مناطقی است که به طور کلی از یک قالی‌بافی خوب و سازمان یافته و تحت نظارت بهره‌مندان. گفتنی است که این بخش از کتاب با دو تصویر زیبا از دو قطعه قالیچه و قالی نفیس ناتین، خاتمه می‌یابد.

دومین فصل یا بخش کتاب تحت عنوان «فرش



ناین» مطالب مختصری را در ۱۱ صفحه که عمدتاً تصویری است در برمی گیرد. و در شروع آن می خوانیم که: «فرش ناین را در نقاط مختلفی از ایران می یابند به غیر از تمام محدوده شهرستان ناین و شهرهای هم مرز دور یا نزدیک نظیر طبس، کاشمر، سمنان، حومه اصفهان، حتی مناطقی نظیر روستاهای اشتهارد، شهرک صنعتی قزوین و معلم کلایه (مرکز الموت) در اطراف تهران، تحت تأثیر توفیق و شهرت فرش ناین اقدام به تولید این فرش کرده اند» و محقق با عنایت با اینکه هر چه از «خور» دور می شویم به نوعی و رفته رفته از کیفیت فرش ناین کاسته می شود می گوید: منظور از فرش ناین، کلیه فرش هایی است که در شهرستان ناین و مناطقی نظیر خور و جندق و روستاهای مربوطه بافته می شود اگر چه کیفیت فرش در مناطق مذکور نیز با هم متفاوت باشد.

در زمینه ویژگی های فنی فرش ناین، نخستین مبحث به مواد اولیه اختصاص یافته و محقق با بررسی های به عمل آورده چنین اظهار می نماید که پشم مصرفی در این فرش، از نوع ظریف است و درصد بالایی از آن پشمی است که به آن کرک گفته می شود و فرش ناین از زمینه های نادر و مناسب کاربرد پشم های ظریف غیر ایرانی است و از نمرة ۸ تا ۲۰ متریک در این فرش به کار می رود که نمرة ۲۰ آن در فرش های ظریف نائینی مصرف می شود. در مورد نخ های مورد مصرف در چله فرش نیز محقق از نوع چله مورد مصرف در فرش های اصفهان که از اصفهان و کاشان تأمین می شود، یاد می کند.

در خصوص طرح و نقشه نیز پژوهشگر از طرح های شناخته شده های نظیر شاه عباسی، لچک ترنج با استفاده از ترکیبات اسلیمی و ختایی و نیز نقوش سنتی دیگری چون نقش گنبد (سقفی)، حاج خانمی، درختی، قابی، محرابی، محرمات، افسان، لچک ترنج، کتیبه ای و تاریخی به عنوان اصلی ترین طرح های مورد استفاده در فرش ناین یاد می کند و معتقد است که استفاده مناسب از طرح های سنتی همراه با رنگ آمیزی خاص فرش های ناین، هویتی خاص و جهانی برای این فرش ها تأمین کرده است.

نویسنده کتاب در مبحث رنگرزی، فرش ناین را از درخشان ترین مظاهر کاربرد رنگ های طبیعی و سنتی می داند و معتقد است که سهم بزرگی از شهرت فرش ناین، مدیون این کیفیت است اگر چه محقق تأسف خود را نیز از راه یابی رنگ های شناخته و ناشناخته صنعتی در رنگرزی خامه فرش های امروز ناین نیز مخفی نمی دارد.

در قسمت کوچک دیگری از فصل دوم، مطالبی در رابطه با بافت و تکمیل فرش ناین آمده است و اینکه فرش ناین دارای گره فارسی و دو پود است و نقایص بافت همچون کجی، سره، دو دست بودن، چند رنگی، نزدن پود و غلط بافی در این فرش بسیار کم و کیفیت تولید در حد بالای استاندارد است.

فرش ناین عمدتاً بر روی دارهای عموماً چوبی بافته می شود و نیز اینکه پرداخت اولیه، ضمن بافت

صورت می گیرد و پرداخت نهایی فرش های بالاتر از ۱۶۰ خفت (گره) با دست انجام می شود. محقق در خاتمه این فصل که به نظر می توانست مفصل تر و کاملتر از آنچه که گفته شده به موفق بودن ناین در زمینه تولید فرش های بزرگ پارچه با کیفیت خوب اشاره کند و اینکه کارگاه های دست اندرکار تولید و تکمیل قالی در ناین، مجموعاً از شرایط مطلوبی از لحاظ روشنایی و بهداشت قرار دارند.

سومین بخش یا فصل از کتاب فرش ناین، تحت عنوان «فرش ناین نمادی از یک فرش خوب ایرانی» می باشد و در این مبحث، محقق در ابتدا و البته پس از مدخلی کوتاه به «مفهوم هنر در فرش ایران» می پردازد و معتقد است که فرش ایران حتی در توانمندترین زمان حیات خویش، یعنی در عصر صفویه نیز کالایی تجاری بوده که در برخی از موارد با عرضه آن به صورت هدیه و پیشکش، ارزشی سیاسی یافته است و امروز فرش های عصر صفوی نیز در حد یک کتاب تاریخ اجتماعی هنر قابل اعتنا است.

محقق ضمن آنکه معتقد است که شاخص ترین فرش ها، فرش هایی است که از نظر طرح و رنگ مورد علاقه و استناد پژوهشگران و هنردوستان است، بحثی را پیرامون اصالت طرح و نیز بحث دیگری را پیرامون اصالت رنگ مطرح می نماید و می نویسد:

«به طور کلی می توان طرح اصیل را طرحی برخاسته از یک فرهنگ تلقی کرد که ممکن است دارای هویت قومی (طرح معروف به لیلیان ارمنی یا ترکمن و قشقایی)، هویت آیینی و اسطوره ای (بوته و ماهی مظهر درخت مقدس و مهر و میترا)، هویت تاریخی (گردونه آریایی)، هویت مذهبی (محرابی و جانمازی)، هویت جغرافیایی (هریس و قفقاز)، معماری و هنر ایرانی (لچک، ترنج و اسلیمی) و غیره باشد. بسیاری از فرش های ایرانی، به خصوص انواعی که متعلق به ایلات، عشایر، قبایل و روستاهای ایران است، در ذهنی ترین شکل خویش متأثر از این فرهنگ و دارای نوعی از هویت های ذکر شده اند.

نویسنده معتقد است که: «طرح های اصیل ایرانی، از آن نوع که با تاریخ و فرهنگ و سایر هنرهای سنتی ما ارتباط تنگاتنگ دارد، نظیر تمام کالاها و پدیده ها و صنایع دیگر نقاط عالم که شناسنامه های بومی، قبیله ای، سنتی و ملی دارند، این زمان ارزشی فراوطنی و جهانی دارد و هرگز غبار کهنگی و نابودی بر این طرح ها نخواهد نشست، همان طور که بر نقوش اسطوره ای قومیت های ایرانی بر نقوش گنبد های فیروزه ای مساجد اصفهان، نقوش شیری تخت جمشید، مینیاتورهای بهزاد و رضا عباسی و گل و مرغ لطفعلی خان شیرازی نشان مرگ نخواهیم دید.

محقق درباره «اصالت رنگ» می نویسد: رنگ ها می تواند برحسب نوع کاربرد، دارای حالت و هویت باشند و ایرانیان یکی از معدود ملل و اقوام عالم می باشند که طی سال ها و قرون متمادی در ساخت و کاربرد رنگ ها (به خصوص بر روی فرش) به نوعی معرفت و آگاهی و هویت فرهنگی دست یافته اند و بر

مبنای همین دو اصل است که می بینیم در یک فرش عشایری و روستایی، با حداقل رنگ، گاهی رنگ ها در متضادترین شکل خود (قرمز+ سبز) کنار هم قرار می گیرد و ارزشی متعارف می یابد.

نویسنده کتاب، در قسمتی دیگر از این مبحث به گروه بندی های رایج در فرش ایران می پردازد و براساس رج شمار، طبقه بندی خاصی را ذکر نموده و ضمناً به تقسیم بندی دیگری براساس طرح، اشاره می نماید و در مجموع نیز به دسته بندی خاصی شامل فرش های هنری، فرش های معمولی با بافت متوسط و طرح های شناخته شده و نیز فرش های درشت باف، روستایی، محلی و عشایری، دست می یازد و از بحث خود نتیجه می گیرد که اصلی ترین بخش قالی باقی ایران همان قالی بافی روستایی و غیرشهری می باشد که ضمن تأثیرگذاری بر شکل گیری فرش بافی کارگاهی و شهری، خود نیز از اثرات گسترش تولید این حرفه بی نصیب نمانده است. او همچنین می افزاید که: «اصلی ترین ویژگی این نوع فرش و سپس فرش های اولیه شهری و کارگاهی، بهره گیری از رنگ های طبیعی و گیاهی و پشم های خالص بومی و محلی است که با طرح های سنتی و شناخته شده تکمیل می گردد.

نویسنده در پایان بحث نسبتاً مفصل خود که با تصاویر نمونه های متعددی از قالیچه ها همراه است به این جمع بندی می رسد که برای ارزیابی و ارزش گذاری فرش ایران باید به چهار عامل مهم یعنی استفاده از طرح های سنتی، بومی و محلی، استفاده از رنگ های طبیعی، گیاهی و سنتی، استفاده از پشم های بومی، محلی و خالص و نیز رعایت حتی الامکان مسائل فنی و دقت در صحت بافت توجه گردد.

نویسنده کتاب «فرش ناین» در آخرین قسمت این مبحث و تحت عنوان «فرش ناین در کدام گروه از فرش های ایرانی قرار دارد؟» در گفتاری که با تصاویری زیبا از قالیچه های ناین همراه است، معتقد است که اصلی ترین عامل مؤثر در هویت فرش ناین که ضمناً سابقه و قدمت چندان ندارد، موضوع اصالت و هویت طرح و رنگ است و استفاده از طرح های شناخته شده و زیبای ایرانی همراه با رنگ آمیزی خاص فرش نائینی، علت و سبب اصلی اشتهار موجود می باشد. او می افزاید مشخصه های رنگ آمیزی فرش های ناین، که قسمت عمده شهرت خود را مدیون آن است، زمینه رنگی از نوع روشن و مات (= پاستل) است که همراه با ظرافت و دقت در بافت به نقوش متراکم و پر از پیچش سنتی، آرامشی شگفت انگیز می دهد، آرامشی که در اصل در فضای این شهر کوچک نیز احساس می شود.

در چهارمین قسمت از کتاب فرش ناین، محقق به «طراحان فرش ناین» می پردازد و ویژگی های کاری آنان و همچنین اشتهاری که آنان در ارائه طرح های خاص دارند، را ذکر می نماید. او از ولی الله شرعی، رضا یوسف پور، حاج سید جلال امیری، محمد پرستش، حسن طحانی و محمدعلی رهنیان محمدی و... نام و یاد می کند و تصاویری از چهره هنرمندان را ضمن کار ارائه می دهد و مطالب خود را با دیدار از هنرمند



سالخورده نائینی که خانه نشین و بستری است یعنی استاد فتح‌الله حبیبیان خاتمه می‌دهد که باتفاق برادرش مرحوم محمد حبیبیان، یادآور نامی درخشان در هنر فرش‌بافی ایران هستند.

سرانجام پنجمین بخش کتاب به «فرش امروز نائین» اختصاص دارد که قسمت اعظم آن را تصاویر قالیچه‌های زیبای نائین تشکیل می‌دهد و محقق به شنیده‌هایش استاد می‌کند که در حال حاضر در نائین حدود ۲۰،۰۰۰ دستگاه دار قالی‌بافی وجود دارد که سالانه حدود ۱۲۰،۰۰۰ مترمربع قالی بر روی آن‌ها (که ۴۵۰۰۰ مترمربع آن را فرش‌های با کیفیت خوب و عالی تشکیل می‌دهد) بافته می‌شود.

نویسنده کتاب به بالا بودن سطح نسبی سواد در میان بافندگان و تشویق آنان از سوی همسرانشان اشاره دارد و به روستاها و مراکز مهم فرش‌بافی در منطقه نائین و منطقه جندق می‌پردازد و به خطر استفاده از رنگ‌های شیمیایی آن هم از نوع بی‌ثبات در رنگ‌رزی خامه اشاره دارد. بخصوص آنکه فرش نائین از انواع فرش‌هایی است که شمار رنگ مورد استفاده در آن محدود است و بدین سان، تنوع فوق‌العاده رنگ و شیوه‌های رنگی متفاوت که آن‌ها را از ویژگی‌های رنگ‌رزی با رنگ‌های شیمیایی برشمرده‌اند در مورد فرش نائین نمی‌تواند مصداقی داشته باشد.

محقق همچنین به بزرگترین نگرانی بافندگان نائینی یعنی تولید رو به گسترش فرش‌های نائینی در مناطق دیگر اشاره دارد و معتقد است که خوب است به

جای تقلید صرف از طرح و نقشه یک منطقه که بواسطه بار فرهنگی و تاریخی خاصی که دارد، منطقی نیست به دلایل مطلوبیت و جذابیت یک طرح و نقشه در منطقه، پرداخته شود ضمن آنکه تقلید یا استفاده از طرح‌های دیگر مناطق، باعث نابودی یا تأثیرپذیری بیش از حد طرح‌های بومی می‌شود.

نویسنده کتاب در پایان این مبحث به ضرورت تجدیدنظر در ابزار و وسایل قالی‌بافی، از جمله آهنی‌کردن دارهای چوبی یا مکانیزه کردن دارها که سلامت بیشتر بافنده و بافته را در پی دارد اشاره می‌کند و تجربه کشور چین - بزرگ‌ترین مقلد فرش ایران - را یادآور می‌شود. او همچنین به ضرورت استفاده از وسایل مکانیکی برای سوزاندن پرزهای اضافی بخصوص در قالی‌های بزرگ پارچه‌اشارتی دارد و خواستار حضور گسترده‌تر و پررنگ‌تر شرکت سهامی فرش ایران در منطقه است و مطلب خود را با ارائه اطلاعاتی پیرامون شرکت‌های تعاونی فرش دستباف نائین و تعاونی بخش جندق به پایان می‌برد.

نویسنده کتاب فرش نائین، دلایل ارزش خاص فرش نائین را در:

- ۱- شناخت و آگاهی کامل تولیدکنندگان و بافندگان فرش نائین از ارزش‌های کمی و کیفی.
- ۲- بالا بودن نسبی سطح سواد و آگاهی دست‌اندرکاران این حرفه.
- ۳- استفاده از مواد اولیه مرغوب و سالم.
- ۴- استفاده هنرمندانه از طرح‌ها و نقش‌ها با الهام

- از عناصر هنر ایران.
- ۵- استفاده هنرمندانه و خاص از رنگ، به ویژه رنگ‌های سنتی.
- ۶- استفاده مناسب از ابزار کار و محیط بالنسبه بهداشتی و پر نور.
- ۷- دقت و صحت بافت و رعایت ویژگی‌های فنی مورد نیاز.
- ۸- رفاه و رضایت نسبی از کار تولید فرش.

ماحصل کلام اینکه کتاب «فرش نائین» به شرحی که گفته شد اثر تحقیقی دیگری را به مجموعه نه‌چندان جامع و گسترده تحقیقات انجام شده در خصوص فرش ایران که بیشتر مورد پژوهش پژوهشگران خارجی بوده است تا محققان داخلی می‌افزاید و ما را با زوایای ناشناخته یا کمتر شناخته شده قالی‌بافی در یکی از مراکز مهم تولید این «هنر-صنعت» آشنا می‌سازد. امید آنکه نویسنده کتاب هم قلم تقریباً یکنواخت و تا حدودی تکراری و اداری خود را در آثار بعدی که انشاءالله شاهد آن خواهیم بود به کناری نهد و در نوشتارهایش جنبه‌های فنی، فرهنگی و هنری را بیش از پیش مورد توجه قرار دهد و تا حد امکان نیز از آمار جدید و قابل استنادتری استفاده نماید و البته این مختصر نمی‌تواند زحمات و تلاش‌های صادقانه نویسنده را نادیده گیرد و ویژگی‌های مثبت کتاب فرش نائین را به فراموشی سپارد.